

قرنطینه‌های ایران در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی

مسعود کثیری*^۱، مرتضی دهقان‌نژاد^۲

مقاله‌ی مروری

چکیده

قرنطینه، به‌عنوان یکی از راه‌های جلوگیری از شیوع بیماری، همواره از قدیم مورد توجه کشورهای درگیر در امرتجارت بود. در کشور ما هم قرنطینه از قبل مورد توجه واقع گشته بود ولی هیچ‌گاه به‌صورت علمی، موثر و کارآمد، اجرا نشده بود. این ناکارآمدی دلایل مختلفی داشت. ایجاد قرنطینه در ایران با شیوه‌ی حکومت آن روز و نگرش مردم نسبت به چنین پدیده‌های جدیدی مشکلات زیادی را پیش روی مردم و مسئولان حکومت قرار می‌داد.

یکی از کشورهایی که به دلایل گوناگون، تمایل به ایجاد قرنطینه در مرزهای ایران، به‌خصوص در بنادر خلیج فارس داشت، امپراتوری بریتانیا بود. حجم فراوان مبادلات تجاری بین ایران و انگلیس و نزدیکی و هم‌مرزی ایران با کشور هندوستان که نبض اقتصادی بریتانیا بود، هم‌چنین اهداف توسعه‌طلبانه و رقابت با دولت روس، از جمله دلایل علاقه‌ی این کشور به ایجاد قرنطینه و جلوگیری از شیوع بیماری‌های همه‌گیر، هم‌چون وبا و طاعون، در بنادر جنوبی ایران بود.

در این مقاله سعی بر این است که ضمن تعریف قرنطینه، به‌صورت اجمال به تاریخچه و لزوم اجرای آن در ایران پرداخته و سپس با تکیه بر اسناد و منابع، به بررسی مشکلاتی که بر سر راه اجرای آن وجود داشت بپردازیم. در قسمت پایانی این نوشتار به بررسی اقدامات ایران و انگلیس در ایجاد قرنطینه در بنادر جنوبی ایران پرداخته و بیان خواهد شد که چگونه ناکارآمدی دولت ایران در اجرای مقررات قرنطینه و اداره‌ی آن‌ها، زمینه‌ساز نفوذ و دخالت دول استعمارگر آن زمان در مرزهای ایران شد.

واژگان کلیدی: قرنطینه، خلیج فارس، ایران

^۱ پژوهشگر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

^۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

* نشانی: اصفهان، دروازه شیراز، دانشگاه اصفهان، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، گروه تاریخ، تلفن: ۰۹۱۳۳۷۲۰۳۰۱

مقدمه

پس از به وجود آمدن روابط اقتصادی در بین ملل مختلف دنیا و به علت افزایش مبادلات تجاری توسط کشتی‌ها و نیز بروز اپیدمی بیماری‌های کشنده‌ای مانند طاعون و وبا، که از طریق چنین ارتباطاتی شیوع می‌یافت، مسأله‌ی قرنطینه مورد توجه تمامی کشورهای درگیر تجارت دریایی بین‌المللی قرار گرفت. در کشور ما هم از قدیم مسأله‌ی قرنطینه مورد توجه واقع گشته بود ولی هیچ‌گاه به صورت علمی و موثر اجرا نگشته و در راه ایجاد آن موانع و مشکلات فراوانی وجود داشت که گاه باعث بروز مکاتباتی در بین حکام شهرهای مختلف یا دول هم‌جوار می‌گشت.

اما مقطع پژوهش، به این دلیل، اواخر دوران قاجار و اوایل دوره‌ی پهلوی انتخاب گشت که این دوران به لحاظ در بر داشتن سطح گسترده‌ای از تغییر و تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارای اهمیت خاصی در تاریخ معاصر کشور ما می‌باشد. هم‌چنین به دلایل مختلف هم‌چون افزایش سطح تجارت بین‌المللی، موقعیت برجسته و ژئوپلتیکی ایران در منطقه‌ی خاورمیانه و همسایگی با کشور مستعمره‌ی هندوستان، توسعه‌طلبی و تلاش روس‌ها در جهت رسیدن به آب‌های گرم، خلیج فارس ایران از مهم‌ترین کانون‌های توجه بین‌المللی و یکی از عرصه‌های تسویه حساب قدرت‌های سیاسی برتر جهان به خصوص روس و انگلیس بود.

اما ضرورت این پژوهش در این است که تاکنون در هیچ یک از کتاب‌های نوشته شده در مورد ایران، در خصوص تاریخچه‌ی قرنطینه‌ها، مطلب کامل و جامعی نوشته نشده و تنها در موارد اندکی، به نکات پراکنده‌ای در مورد این پدیده‌ی نوین که گاه از مرز بهداشت و درمان خارج شده و جنبه‌ی سیاسی و نظامی به خود می‌گرفت، اشاره گشته است. بخشی هم که در کتاب سلامت مردم ایران در دوره‌ی قاجار، نوشته‌ی Willem Floor، به این مسأله اختصاص داده شده، از جامعیت کامل برخوردار نیست. با وجود قلت منابع در این

خصوص، برخی از اسناد و مکاتبات اداری و خصوصی وجود دارد که از خلال آن‌ها می‌توان به اطلاعات ذی‌قیمتی در خصوص قرنطینه‌ها و مسائل حاشیه‌ای آن‌ها دست یافته و به برخی سؤالات موجود پاسخ داد؛ سؤالاتی هم‌چون:

- اجرای قرنطینه‌ی علمی از چه زمانی در ایران آغاز گشت؟
 - مشکلات داخلی و خارجی بر سر راه ایجاد و تداوم صحیح قرنطینه‌ها چه بود؟
 - مشکلات قرنطینه‌های مرزی ایران چه بود؟
 - نقش دولت‌های انگلیس و روس در قرنطینه‌های مرزی به خصوص قرنطینه‌ی بنادر خلیج فارس چه بود؟
- روش اجرای این پژوهش بدین گونه بود که ابتدا اسناد مختلفی را که در این مورد در آرشیوهای مختلف وجود داشت به دست آورده و دسته‌بندی شد. سپس از خلال بررسی اخبار و اطلاعات مندرج در گزارشات و روزنامه‌ها و خبرنامه‌های آن زمان، کلیه اطلاعات و اخبار مربوط به بروز وقایع مربوط به بیماری‌ها را استخراج و با اسناد مربوطه تطبیق داده و تلاش شد تا گسست‌های تاریخی موجود در این زمینه، اصلاح گردد.

در قسمت اول این پژوهش، سعی گشته تا به تاریخچه‌ی ایجاد قرنطینه پرداخته و از چگونگی توجه دولت ایران به آن سخن گفته شود. در قسمت دوم تلاش بر این بوده تا با تقسیم قرنطینه‌ها به سه بخش داخلی، مرزهای خشکی و بنادر جنوبی خلیج فارس، به بررسی تاریخچه و موانع ایجاد و توسعه‌ی آن پرداخته شود.

تاریخچه‌ی قرنطینه در ایران

اکثر قرنطینه‌های قبلی ایران، در داخل کشور و در محدوده‌ی شهرها اجرا می‌شد ولی در زمان امیرکبیر حوزه‌ی گسترده و علمی‌تری پیدا کرد. هنگامی که در سال ۱۲۶۷ هـ.ق. بیماری وبا گسترش یافت، امیرکبیر دستور داد قرنطینه را در مرز ایران و عراق اجرا کنند. دلیل آن گزارش‌هایی بود

می‌خوانیم که:

«دکتر آلبو مدتی است که در بیستون قرانتین گذاشته و زوار را در آن جا جمع کرده، زواری هم که به کنگاور می‌آیند، یک نفر طبیب آن‌ها را دوا داده، چون ناخوشی ندارند مرخص می‌کند.» (۳).

قرنطینه‌های داخلی ایران

اگر چه قرنطینه روش بسیار مناسب و راه عملی برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های مسری بود، ولی اجرای آن در ایران، با شیوه‌ی حکومت آن روز و نگرش مردم و حکام نسبت به چنین پدیده‌های جدیدی تبعاً مشکلات زیادی را به همراه داشت لذا حجم زیادی از اسناد مربوط به مسائل بهداشتی و درمانی، مربوط به قرنطینه، از زوایای گوناگون می‌شود. برای ایجاد روشی بهتر در پیشبرد مراحل این تحقیق، سعی شد تا ابتدا این اسناد دسته‌بندی و سپس تحلیل شوند.

یکی از مهم‌ترین مشکلات قرنطینه‌ها دید منفعت‌جویانه‌ی مأموران دولتی نسبت به آن بود. این پدیده‌ی ناگوار تا حد زیادی معلول روحیه‌ی آن‌ها بود و لذا شکایات بسیاری از تعدیات مأموران دولتی شاغل در قرنطینه‌ها شد. به دنبال افزایش نارضایتی از این اقدام، برخی از مسافریین ترجیح می‌دادند از بیراهه رفته تا گرفتار مأموران نشده و وجهی بابت قرنطینه پرداخت نمایند. این مسأله باعث گشت تا قرنطینه از هدف اصلی خود دور افتاده و در کار آن اخلال ایجاد گردد، لذا پس از مدتی اخذ وجه از مسافران به‌عنوان قرنطینه ممنوع شد.

البته بر حسب ظاهر اخذ وجه در پست‌های داخلی ممنوع بود ولی با این حال این دستورات نادیده انگاشته شده و در ایستگاه‌های قرنطینه‌ی داخل کشور مأموران از مردم مطالبه پول می‌کردند. سندی به تاریخ ۲۶ ذی‌قعدة ۱۲۹۶ هـ.ق. حکایت می‌کند که مأموران قرنطینه‌ی شیراز پول زیادی را از مردم گرفته‌اند و مسؤول قرنطینه تحت فشار مردم، مجبور به استرداد آن می‌شود (۳).

اگر نظارت دولتی، شدید بود و حاکم محل احتمال وجود

که از شیوع بیماری وبا در شهرهای زیارتی و خطر سرایت آن به داخل ایران وجود داشت. نکته‌ی مهم این است که امیر با دیده‌ی تیزبین خود توانسته بود برخی از مشکلات حاشیه‌ای را تشخیص داده و برای جلوگیری از آن دستوراتی صادر نماید. آدمیت می‌نویسد:

«برای محافظت ممالک محروسه از آلودگی ناخوشی مزبور (وبا)، در مرزها قاعده گراختین، (قرنطینه) گزارده شد، که مسافران را چند روز در آنجا نگه دارند. دستور میرزا تقی خان در این موضوع، خاصه حاشیه‌ای که به خط خود افزوده، قابل توجه است. امیرکبیر برای این‌که این قانون، مایه سود جویی مأموران مرزی نگردد، در حاشیه نامه مزبور افزوده: مراقب باشید که این عمل مایه مداخل مستحفظین نشود و بنای اذیت و آزار را گذاشته، مترددین را به زحمت نیندازند، بلکه مایه نظم شود.» (۱).

پس از امیر؛ در زمان ناصرالدین شاه، مجلس حفظ الصحه برای رسیدگی به امور بهداشتی مملکت تأسیس و اولین جلسه آن در تاریخ یکشنبه ۲۶ ربیع الثانی سال ۱۲۹۸ هـ.ق. به‌طور رسمی در مدرسه دارالفنون تشکیل شد. اعضای حاضر در آن عبارت بودند از وزیر علوم و معارف، رئیس و ناظم دارالفنون، دکتر طولوزان حکیم باشی، پزشک سفارت انگلیس (دکتر دیکسن)، دکتر آرنو و دکتر بگمز که بعدها به عمادالطباء معروف گشت. مجله‌ی یغما اولین صورت جلسه این مجلس را به شکل زیر ثبت کرده است:

۱- ممنوع نمودن زیارت عتبات عالیات به مناسبت

شیوع مرض طاعون در عراق.

۲- اعزام چند نفر پزشک به نقاط مختلف کشور.

۳- دستور تشکیل قارانتین (قرنطینه) در سرحدات ایران

و عراق و هم‌چنین در بندر بوشهر (۲).

همان‌طور که از اولین صورت‌جلسه بر می‌آید، یکی از وظایف اصلی که بر عهده‌ی مجلس حفظ‌الصحه گذاشته شد، برقراری قرنطینه بود و اکثراً پزشکان تحصیل کرده‌ی غربی مسؤول برپایی این مراکز می‌شدند. به‌عنوان مثال، در گزارش

بوده و آن را رعایت کند؛ از این مسأله مستثنی نبود. به عنوان نمونه، هنگامی که شاه قصد سفر عتبات را داشت، از قبل به مأموران مرزی دستور داده شد تا هنگام عبور او و هیأت همراه، از تردد افراد عادی جلوگیری کرده و ایستگاه‌های قرنطینه را جمع نمایند (۴). یا هنگامی که پس از پایان سفرش به منطقه مرکزی ایران و عراق عجم، قصد ورود به تهران را داشت، همراهانش قرنطینه را رعایت نکردند و به شهر وارد شدند؛ گرچه خود شاه از ترس بیماری از پشت دروازه‌های تهران بازگشته و راهی باغ سلطنت آباد شد (۶).

طبق گزارش دیگری، قنصل ایران مقیم هند، هنگام ورود به بندر بوشهر از قوانین قرنطینه سرپیچی نمود و این مسأله باعث واکنش و اعتراض شدید مأموران انگلیسی، که متولی این قرنطینه بودند، شد. آن‌ها از حکومت مرکزی به صورت جدی درخواست می‌کردند که قنصل خاطی به شدت تنبیه گردد تا اسباب قرنطینه به سخره گرفته نشود.

گاهی اوقات اگر عبور از قرنطینه با ضرب و زور میسر نبود، روش‌های دیگری مطرح می‌گشت که از جمله‌ی آن‌ها دادن رشوه به مأموران قرنطینه بود. به عنوان مثال، در گزارشی در ۱۵ صفر سال ۱۳۰۷ هـ.ق. می‌خوانیم:

«در کردستان معروف است که علت بروز ناخوشی در کرمانشاهان این شد که جمعی از یهودیان بغداد فرار کرده به طرف ایران می‌آمدند، در خانقین گماشتگان حسام الملک مانع شدند، هر یک بیست عدد لیره تعارف دادند و به اذن حسام الملک به کرمانشاهان آمدند و به ورود آن‌ها ناخوشی بروز کرد. دیگر صدق و کذب این خبر معلوم نیست» (۳).

اقتدار و نظارت دوران رضاشاه هم باعث نشد تا این مشکل به کلی حل شود و برخی از افسران نظامی خود را از انجام قوانین قرنطینه معاف می‌دانستند و همین مسأله باعث اعتراض مسؤلان قرنطینه‌ها می‌گشت. به عنوان مثال، سندی از سال ۱۳۱۶ شمسی وجود دارد که نشان می‌دهد خروج بی موقع و به زور سروان غنی پور افسر امنیه از قرنطینه بوشهر موجب ناراحتی و اعتراض مسؤلان قرنطینه گشته و دامنه‌ی

هیچ دخلی را در قرنطینه نمی‌داد؛ از اساس منکر وجود بیماری در منطقه‌ی خود شده و از راهاندازی قرنطینه طفره می‌رفت. به عنوان مثال، سندی به تاریخ دوم و چهارم رجب سال ۱۲۸۶ هـ.ق. حکایت از مرگ چند نفر زائر اصفهانی در اثر بیماری وبا می‌کند. حکومت از والی شهر درخواست ایجاد قرنطینه می‌کند ولی حاکم شهر ادعا می‌کند که این چند نفر بر اثر پیری و بیماری معمولی فوت کرده‌اند و تشخیص وبا اشتباه بوده است (۴).

اسناد دوران پهلوی اول حکایت از این مسأله دارد که مسائل مالی قرنطینه کم‌تر از گذشته باعث بروز مشکل برای مسافری می‌گشت و نظارت بر مصرف بودجه و تعیین محل هزینه‌ی آن و نظارت مأموران اداره‌ی مالیه باعث گشته بود تا مأموران جرات تعرض به مسافری را نداشته باشند. حتی در چنین مواردی قبل از برپایی قرنطینه میزان و محل بودجه‌ی آن معین می‌شد مثلاً در سال ۱۳۰۵ هـ.ش. مبلغ پنج هزار تومان بودجه برای برپایی قرنطینه قصر شیرین و کرمانشاهان از محل بودجه حوادث غیر مترقبه اختصاص یافت و لشکر غرب مأمور به همکاری با قرنطینه‌ی مزبور شد.

دسته‌ی دیگر اسناد، مربوط به مواردی می‌شود که برخی از مسافری به دلایل مختلف قصد عبور از محدوده‌ی قرنطینه یا فرار از آن را داشتند. این مسأله هم در قرنطینه‌های داخلی و هم در پست‌های مرزی مشهود بود. حاج سیاح محلاتی نقل می‌کند که در جریان یکی از همه‌گیری‌های وبا در عتبات عالیات، در مرز کرمانشاه قرنطینه گذاشته بودند و در همان زمان یکی از علما به همراه گروهی از مردم و زوار وارد کرمانشاه شدند. زمانی که مأموران خواستند آن‌ها را در قرنطینه نگه دارند، برخی از همراهان از قبول این امر خودداری کرده و کار به منازعه کشید (۵).

بزرگان و دولتمردان هم توقف در قرنطینه را موجب کسر شان خود دانسته و به روش‌های مختلف آن را نادیده می‌گرفتند. حتی شخص پادشاه که می‌بایست بیش از هر کس دیگری نسبت به قوانین وضع شده توسط خودش حساس

این اعتراضات باعث گشت تا تقاضای مجازات نامبرده توسط رئیس کل بهداری به وزارت جنگ فرستاده شود.

قرنطینه در مرزهای خشکی ایران

تعدادی از اسناد، مربوط به تقاضای دولت ایران و دولت‌های همجوار برای ایجاد قرنطینه در موارد بروز بیماری بود. مانند، نامه‌ای از سفیر ایران در شهر اسلامبول به تاریخ ۱۸ رجب ۱۲۸۰ هـ.ق. و سند دیگری دایر بر تقاضای سفارت دولت روس از دولت ایران مبنی بر تأسیس قرنطینه در مرزهای شمالی ایران و مشخصا در بنادر انزلی، آستارا، مشهد سر و بندر گز (۴). سند دیگری هم ایجاد قرنطینه در اهواز را به دلیل شیوع بیماری وبا در سال ۱۳۰۲ هـ.ش. درخواست کرده یا گزارشات متعددی که از مرز افغانستان و معاینه‌ی تعداد مترددین از مرز در سال ۱۳۱۵ هـ.ش. وجود دارد.

گنجایش قرنطینه‌ها متفاوت بود و بسته به تعداد مسافری قابل افزایش بود. در گزارشی به تاریخ ۲۹ محرم ۱۳۰۷ هـ.ق. از قصر شیرین، چنین می‌خوانیم که:

«قریب چهار هزار نفر در قرانتین توقف دارند. چون زوار زیاد شده‌اند از ایالت حکم شده مجدداً سی باب چادر برای اقامت زوار بسازند. وجه نقد هم از طرف ایالت به فقرا و پیادگان زوار می‌دهند و از موعده ده روز توقف، سه روز تخفیف داده‌اند و از بابت آذوقه نهایت آسودگی را دارند.» (۳)

چنین جمعیتی باعث بروز بی‌نظمی‌های فراوان شده و برخی مأموران به فکر سو استفاده از این شرایط بودند، چنان‌که دسته‌ای دیگر از این اسناد مربوط به شرح تعدی و ظلم مأموران گمرک به مسافرینی است که از این مسیرها عبور می‌کردند. این مسأله باعث گشته بود تا هر چند وقت یکبار مناقشه‌ای بروز نموده و منجر به مکاتباتی در این خصوص گردد. یکی از سفرای خارجی، در توصیف یکی از پست‌های قرنطینه و نحوه‌ی رفتار مأموران عثمانی و محل اسکان مسافران، که ظاهراً غارهای طبیعی کوهستان بوده است، می‌نویسد:

«ناگفته نماند که قزل دره محل قرنطینه است و مأمورانی که در اینجا هستند مسافرین را جبراً به قرنطینه می‌برند ولی فکر نکرده‌اند که در این فصل زمستان قرنطین عمارت و محل مخصوص لازم دارد. اگر مسافرین از طبقه‌ی اشراف و متمولین باشند آن‌ها را به این غارها آورده و در این غارها مسافرین و چهارپایان با هم زندگی می‌کنند و برای چهارپایان اصطبل مخصوصی وجود ندارد و در صورتی که مسافرین از طبقه‌ی اشراف نباشند و نتوانند عوارض سنگین را برای اقامت در این غارها بپردازند در وسط برف و زیر آسمان باقی می‌مانند و به نزدیکترین احتمال از سرما فوت کرده یا مبتلا به ذات‌الریه می‌شوند، چون مسافرین نمی‌خواهند از سرما بمیرند و در عین حال تحمل پرداخت عوارض سنگین را هم ندارند، آن وقت دو صورت پیدا می‌کند. اگر مسافرین مسلح و شمار آن‌ها زیاد باشد جبراً می‌گذرند و کسی را یارای مقاومت با آن‌ها نیست و در صورتی که شمار آن‌ها کم و اسلحه نداشته باشند، سعی می‌کنند به‌طور قاچاقی از سرحد بگذرند و برای حصول این منظور به کمک سکنه محلی متوسل می‌شوند یا نظیر سایر نقاط مشرق زمین قدری رشوه به مأموران قرنطین می‌دهند و آن‌ها هم چشم خود را روی هم گذاشته و عبور مسافرین را ندیده می‌انگارند.» (۷)

تعدادی دیگر از اسناد مربوط به اخاذی و گرفتن وجوهی از مسافران به عناوین مختلف، در مرزها بود. بر حسب ظاهر در ابتدای کار دریافت وجه از مسافرین، امری قانونی بوده و توسط هر دو کشور همسایه به اجرا در می‌آمده است. با افزون شدن شکایات مردم، مسؤولان دو کشور ایران و عثمانی، قرار بر ترک این کار گذاشتند. گرچه گرفتن هرگونه وجهی تحت عنوان حق قرنطینه ممنوع گشت ولی هم‌چنان مسافران را سرکیسه می‌کردند. چنان‌که در سندی به تاریخ ۲۲ رجب ۱۲۹۳ وزارت خارجه ایران در جواب نامه سفارت عثمانی مبنی بر اعتراض به دریافت وجه در قرنطینه می‌نویسد که:

«اگر مأموران عثمانی این کار را می‌کنند، حق مأموران ایرانی صریح است...» در یک مورد هم شکایتی از دولت

مأموران عثمانی از حمل و نقل اموات به بهانه انتقال بیماری جلوگیری کرده و باعث بروز مشکلاتی برای مترددین می‌شدند. در گزارشی که در تاریخ ۲۷ ذیحجه ۱۳۰۷ هـ.ق. از خانقین رسیده است، می‌نویسد که:

«پریروز قریب سی و پنج جنازه از اهالی استرآباد و مازندران به خانقین آورده بودند به عتبات ببرند. در آن بین احکامی از صدارت عثمانی به قائم مقام خانقین رسید که جنازه تازه، تا ناخوشی در بغداد هست نگذارند عبور بکنند. مأموران عثمانی ممانعت کرده‌اند. سه روز است جنازه‌ها و حاملین در خانقین معطل هستند.» (۳).

انتقال اموات بدین گونه بود که مأموران عثمانی بابت هر جنازه مبلغی را شبیه حق گمرک دریافت کرده و پس از آن اجازه عبور می‌دادند. ولی در برخی از موارد، با این‌که وجوه لازم را دریافت کرده و از این طریق درآمد هنگفتی را وصول می‌کردند، باز در عبور آن‌ها مانع تراشی می‌کردند. البته دولت عثمانی نه می‌توانست از این منبع درآمد بگذرد و نه دلش می‌خواست تا از این طریق بیماری‌های مسری به مرزهایش وارد شود.

البته در مواردی هم این ممانعت به دلیل حمل و نقل غیر بهداشتی جنازه‌ها بود که باعث انتشار بیماری می‌شدند. در سال ۱۲۸۲ هـ.ق. دولت‌های اروپایی نسبت به این عملکرد دولت ایران شدیداً متعرض شدند و به پیشنهاد فرانسه مقرر شد که کنفرانسی عمومی برپا شود. روزنامه‌های آن زمان در پاریس علت اصلی شیوع این بیماری‌ها را انتقال جنازه‌ها به عتبات دانسته و معتقد به متوقف شدن این عمل بودند. این مسأله در کنفرانس هم مطرح شد و البته گفتنی است که سفیر ایران در این کنفرانس به مخالفت با موضوع پرداخته و معتقد بود که حمل اموات هیچ وقت وسیله ایجاد بیماری وبا نبوده است.

این‌گونه واکنش‌های بین‌المللی باعث گشت تا دکتر طولوزان دستورالعملی برای حمل اجساد به روش حفاظ دار صادر کند و طی تلگرافی از ضیاءالسلطنه حاکم کرمانشاه

روسیه وجود دارد که کلیه اشیای مسافران را به مدت سه روز به‌عنوان قرنطینه انبار کرده و در برابر آن طلب ۱۴ عباسی حق انبارداری می‌کند (۴).

گروهی دیگر از اسناد مربوط به مشکلاتی بود که بر سر حمل و نقل اموات به شهرهای مقدس و عتبات عالیات، به‌وجود می‌آمد. برخی از مسلمانان اعتقاد دارند که دفن اموات در اماکن مقدس و زیارتی می‌تواند موجب آمرزش گناهان و یا تخفیف آن‌ها شود و لذا از قدیم الایام متمولین، وصیت می‌کردند تا پس از مرگ در یکی از اماکن مقدس به خاک سپرده شوند. شیوهی کار این‌گونه بود که اجساد را مدتی به امانت گذاشته سپس به همراه کاروان‌هایی که اغلب به همین منظور به اماکن مقدس می‌رفتند، بدان‌جا حمل می‌کردند و به خاک می‌سپردند. سفیر آلمان مشاهداتش را از یکی از این کاروان‌ها چنین بیان می‌کند:

«پس از گردش در ویرانه‌های ری به سمت تهران بازگشتیم، در جاده خارج از دروازه حضرت عبدالعظیم با منظره‌ای مواجه شدیم که ما را دچار حیرت و تعجب کرد، در سمت چپ جاده تهران به حضرت عبدالعظیم و نزدیک دروازه، کاروانسرای بزرگی قرار داشت که کاروان عجیبی از آن خارج می‌شد تا به سوی شهر قم برود. الاغ‌ها و قاطرهای این کاروان را در دوطرف با کیسه‌هایی طناب پیچ بار کرده بودند یعنی بار هر الاغ و قاطر دو کیسه بود که در دوطرف پالان آن حیوان آویخته بودند. ولی این کیسه‌ها با کیسه‌های بار معمولی از نظر شکل و حجم اختلاف زیادی داشت. کمی که پیش رفتیم در داخل کاروانسرا مقدار زیادی از این کیسه‌ها را دیدیم که روی زمین گذاشته‌اند و در انتظارند که آن‌ها را بار چهارپایان کنند. وقتی پرسیدم داخل این کیسه‌ها چیست، معلوم شد که آن‌ها اجساد هستند که برای دفن به قم حمل می‌شدند...» (۸).

در برخی از موارد، حمل و نقل اموات باعث بروز کشمکش‌ها و دعوای فراوانی با مأموران مرزی عثمانی می‌شد. اکثر اوقات و به‌دنبال بروز بیماری‌های همه‌گیر،

مواضع نظامی و سیاسی خود را تقویت کنند. گاه حتی مبنای برقراری و برجیدن قرنطینه‌ها نه شیوع بیماری‌ها، بلکه تغییراتی بود که دولت‌ها قصد داشتند در مسیرهای تجاری به‌وجود آورند. مثلاً مأموران عثمانی به بهانه‌ی ایجاد قرنطینه در شهر مرزی قزل دیزیج، تعداد ۶۰ عراده توپ و تعداد زیادی نظامی آورده و به سرحدات ایران تجاوزاتی نمودند (۴). گاهی دولت روسیه هم از این بهانه برای تقویت مواضع نظامی و سیاسی خودش استفاده می‌کرد. به‌عنوان مثال طی نامه‌ای به تاریخ ۲۶ شوال ۱۳۱۴ هـ.ق. از دولت ایران درخواست می‌کند تا در برخی از نقاط مرزی مشترک با روسیه قرنطینه ایجاد کرده ولی پرسنل و پزشکان آن‌ها روسی باشند. آن‌ها هم‌چنین با تأسیس قرنطینه در برخی از مرزهای شرقی ایران، به نوعی رقابت پنهان با انگلیس پرداخته و از این پوشش برای اهداف سیاسی و نظامی بهره می‌گرفتند. فیروز کاظم زاده می‌نویسد:

«روش قرنطینه روس‌ها مایه‌ی آزرده‌گی دائمی انگلیسی‌ها بود و بیست و چهار پست قرنطینه‌ای که روس‌ها در طول سرحدات افغانستان تأسیس کرده بودند هم‌چون خار در پهلوی حکومت هندوستان می‌خیلید. سروان ه. اسمیث افسر هنگ چشیر به سرکنسول انگلیس در مشهد گزارش می‌دهد که فرماندهی پست‌های قرنطینه با سروان ایاس افسر گارد امپراطوری روس است. او افسری است بسیار لایق که فرانسه و انگلیسی و فارسی را به خوبی تکلم می‌کند و اندکی اردو و پشتو می‌داند. مستبد و زورگو است و در کار مأموران ایرانی آزادانه مداخله می‌کند. مجهز است به نقشه‌های عالی روسی به مراتب بهتر از نقشه‌هایی که ما داریم. مقدار زیادی از کارهای جاسوسی انجام می‌دهد، زیرا می‌تواند کسانی را که از هر سو می‌آیند استنطاق کند» (۱۰).

البته مطالعه‌ی اسناد مربوط به دوره رضاشاه حاکی از این موضوع است که تغییرات در جغرافیای سیاسی منطقه و ظهور کشورهای جدید در دوران پس از جنگ جهانی اول، این مشکل را تا حد زیادی مرتفع نموده بود و موارد این

خواسته شد تا با مساعدت میرزا مصطفی طیب جنازه‌ها را معاینه کرده و در صورت برخوردار بودن از ضوابط لازم، به آن‌ها اجازه عبور بدهند.

دامنه‌ی چنین مشکلاتی تا دوران رضاشاه هم کشیده شده بود و دولت هر چند وقت یکبار مجبور بود تا اعلامیه‌ای صادر کند و حمل و نقل اجساد را به عراق ممنوع نماید. به‌عنوان مثال سندی موجود است که نشانگر ممنوعیت تردد زوار و حمل نعش به عراق به دلیل بروز بیماری در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی می‌باشد.

در دوران رضا شاه، در مواقع بروز بیماری حتی تذکره‌های تردد بین استانی هم لغو می‌شد و به این طریق از مسافرت زوار به عتبات جلوگیری به عمل می‌آمد. در چنین مواقعی وزارت کشور به همه استانداران ابلاغ می‌کرد که از صدور برگ تذکره برای مسافرت به خارج کشور ممانعت به عمل آورند. به‌عنوان مثال حکومت اصفهان به تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۰۵ اعلان می‌کند (۹):

«اعلان

عین تلگراف وزارت جلیله داخله ذیلا برای اطلاع عموم اهالی اعلام می‌شود حکومت جلیله موافق اخبار واصله مرض وبا در بصره و نواحی بروز نموده به بعضی نقاط سرحدات ایران هم سرایت کرده ترتیبات قرانطین برقرار کلیه سرحدات مجاور مسدود شده فقط دو بندر در خلیج فارس مفتوح است مسافرت به عراق عرب تا موقع قطعی مرض ممنوع گردیده باهالی نقاط تابعه اطلاع دهید.

۸ مرداد نمره ۵۹۲۸

حسین سمیعی وزارت داخله

به‌موجب اعلان وزارت جلیله داخله و اطلاع اهالی از بروز مرض وبا اداره تذکره برای نقاط معین در تلگراف فوق تذکره نخواهد داد

نظام‌الدین حکمت»

اما تعداد دیگری از اسناد مربوط به سوء استفاده‌ای بود که دول مجاور از قرنطینه کرده و سعی می‌کردند به این بهانه

کمسیون بوده ام و دوست ندارم وقتی که سلامت مردم هندوستان در معرض خطر قرار می‌گیرد یک بار دیگر با آن نمایش مضحک و خنده دار روبرو گردم» (۱۱).

به تدریج اقدامات عملی هم در این راستا تحقق یافت و برای اولین بار در مرداد ۱۲۸۷ هـ.ق. هنگامی که اپیدمی بسیار شدید طاعون در منطقه‌ی خلیج فارس حادث شد، مقامات دولت انگلستان پیشنهاد تأسیس مراکز قرنطینه و اجرای مقررات آن را نمودند و اقدامات خود را در بوشهر آغاز کردند. این قرنطینه‌ها در پنج ایستگاه بوشهر، محمره، بندرعباس، و بندر لنگه به اجرا درآمد و اعضای از خدمات پزشکی هندوستان کادر این ایستگاه‌ها را تشکیل داده و زیر نظر یک پزشک در بوشهر، نظارت می‌شدند (۱۲). این امر با مخالفت مردم و روحانیون محلی مواجه و عملاً منجر به بلوای بزرگی شد (۴). ولی با پشتیبانی مجلس حفظ‌الصحه و توضیحاتی که داده شد انگلیسی‌ها به کار خود ادامه دادند. الگود، می‌نویسد:

«بیماری وبا به خلیج فارس رسید و موضوع مورد توجه حکومت هندوستان قرار گرفت. بندر بوشهر همچنان که انتظار می‌رفت شهر ناسالمی بود زیرا از مقررات بهداشتی محروم و از اصول قرنطینه بی بهره بود. شهر و بندر در حال ویرانی و محتاج تعمیرات بود. محوطه اطراف دیوارهای شهر به‌عنوان مستراح روباز مورد استفاده قرار می‌گرفت و جریان آب دریا که از شکافها و درزهای کنار دریا نفوذ می‌کرد آن را به‌صورت یک باطلاق بیماریزا در می‌آورد. تعداد مبتلایان به وبا روز به روز بیشتر می‌شد. وحشت و هراس همه جا را فرا گرفته بود و مردم از دست زدن و دفن کردن جسد مردگان خود امتناع می‌ورزیدند. بانوان انگلیسی وابسته به هیات نمایندگی و برخی از موسسات به جزیره مجاور که باسیدو نام داشت منتقل گردیدند ولی خود نماینده و پزشک او در شهر ماندند. پافشاری سفیر بریتانیا در تهران حکومت مرکزی را مجبور ساخت که در این زمینه اقدامی به عمل بیاورد. از جمله به حاکم بوشهر دستور داده شد کلیه لباس‌های آلوده را بسوزانند،

چینی در این دوران جز در قرنطینه‌های جنوب، به چشم نمی‌خورد.

حضور انگلیس در قرنطینه‌های بنادر ایرانی خلیج

فارس

انگلیسی‌ها یکی از کشورهایی بودند که از دیرباز و از دوران صفویه در تکاپوی تسلط بر خلیج فارس بودند. جرج کرزن این تمایل انگلیس را برای مقابله با تهدید روس‌ها، به شیواترین صورت ممکن بیان می‌کند:

«اگر روس‌ها در خلیج فارس دارای بند شوند و رویای شیرین آن همه میهن پرستانی که میان رود نوا و رود ولگا زیسته‌اند، تعبیر شود، این کار باعث خواهد شد که یک عنصر اضطراب و آشفتگی در حیات خلیج (فارس) راه یابد و تعادل ظریفی را که با رنج و زحمت برقرار کرده‌ایم بر هم زند و تجارتی را که ارزش آن چندین میلیون لیره استرلینگ است نابود کند و دوباره لگام از سر شور حرارت ملت‌هایی بردارد که با هم مخالفند و آماده‌اند تا به جان هم افتند.... در نظر من اعطای امتیازی به روس‌ها برای دایر کردن بندری در خلیج فارس از ناحیه هر دولتی که باشد در حکم تحقیر عمومی بریتانیای کبیر و بر هم زدن وضع موجود از روی خودسری و بی بند و باری و به منزله تحریک عمومی به جنگ است....» (۱۰).

به همین لحاظ ایجاد قرنطینه در بنادر جنوبی ایران همواره مورد توجه دول خارجی که در این بنادر منافع اقتصادی و سیاسی داشتند، قرار داشت. دکتر کولویل جراح ارشد هیات نمایندگی بریتانیا در بغداد، نخستین کسی بود که مساله لزوم تأسیس یک مرکز قرنطینه نگهبانی را در دهانه خلیج فارس برای محافظت هندوستان مطرح کرد. این شخص در گزارش رسمی خود به تاریخ پنجم ژوئن ۱۸۷۵م. خطاب به ژنرال کنسول، این نیاز را متذکر شده، چنین می‌گوید:

«اگر قرار باشد قرنطینه اجرا شود باید مراقبت شود که کمسیون بین‌المللی موجود در قسطنطنیه اجازه دخالت در این زمینه را پیدا نکند زیرا من دو بار تحت مقررات قرنطینه این

باره می‌نویسد:

« دولت ایران تاکنون هیچ کاری برای جلوگیری از ورود بیماری‌های واگیر انجام نداده است. اینک چه از نظر انسانی و چه از نظر حفظ زندگی افراد، لازم است که به این بی‌اعتنایی در ایران خاتمه داده شود. ولی چون امید آن نیست که دولت ایران خود پیش قدم شود، وظیفه‌ی سایر دولت‌های ذی‌علاقه است که جهت فرا گرفتن تصمیم‌های لازم بذل اهتمام کنند. آنچه دولت امپراتوری بریتانیا در صدد رسیدن بدان است عبارت است از برقرار کردن خدمات بهداشتی، ولی این کار هرگز به دست دولت ایران انجام نخواهد شد. بنابراین باید یک بنیاد بین‌المللی این وظیفه را تحت نظارت حکومت‌های خارجی با جدیت تمام به انجام رساند» (۱۱).

این پیشنهاد پس از مطرح شدن مورد توجه کلیه دول ذی‌نفع قرار گرفت و قرار بر این شد که با الگو قرار دادن هیأت ناظر بر کانال سوئز و هیأت مستقر در قسطنطنیه، چنین هیأتی در ایران تشکیل شده و رئیس آن هم یک نفر ایرانی باشد. قرار شد که در یکی از جزایر دهانه‌ی خلیج فارس، محلی برای قرنطینه اجرا شود. دولت ایران از این پیشنهاد به این شرط استقبال کرد که اجرای آن هیچ تعهد مالی را برای ایران به وجود نیاورد و با این شرط اجرای آن به انگلیس محال شد. انگلیس هم تنها تعهد کرد که حقوق مستخدمین خودش را می‌پردازد و لازم است که در نحوه‌ی اجرای آن از آزادی عمل کاملی برخوردار باشد (۴).

در دوره رضاشاه، اسناد موجود حاکی از آن است که ریاست قرنطینه‌های بنادر جنوب تا مدت‌ها هم‌چنان در دست نظامیان انگلیس بود و در اسناد و مکاتبات از اشخاصی هم‌چون کاپیتان رونی، به‌عنوان رئیس قرنطینه‌ها نامبرده می‌شود. البته، دولت ایران از این امر چندان راضی به‌نظر نمی‌رسید و سعی می‌کرد تا با محدود کردن و نظارت بر بودجه قرنطینه‌های جنوب، برای مأموران انگلیسی اشکال تراشی نماید. تا آن زمان این‌گونه مرسوم بود که مبلغی کلی به‌عنوان بودجه‌ی قرنطینه در اختیار مسئولان قرار گیرد و آن‌ها

دفن اموات را در خارج شهر به‌صورت اجباری اجرا کنند و به توصیه‌های پزشکان خارجی و محلی در زمینه پیشگیری از شیوع بیماری گوش فرا دهند» (۱۱).

نحوه‌ی اجرای مقررات قرنطینه در بنادر که در دریا و بر روی کشتی‌ها انجام می‌شد، به این شکل بود که کشتی‌ها مجبور بودند تا پرچم زرد رنگی بر عرشه خود نصب کرده و وارد لنگرگاه شوند. آن‌گاه مسافری وارد قرنطینه شده و به مدت ده روز نگه‌داری می‌شدند. این مدت بعداً به ۵ روز کاهش پیدا کرد. یکی از سیاحان خارجی در مورد نحوه اقامت در یکی از این ایستگاه‌های قرنطینه که آن را عالم برزخی نامیده، می‌نویسد:

« ایستگاه قرنطینه ساختمانی است که به شتاب ساخته شده و ناهنجار می‌نماید اما حقیقتاً تمام امکانات لازمه یک اقامت کوتاه و اجباری را دارد. دو ایرانی از کارکنان آن‌جا بودند. برای مسافران آسیایی، کلبه‌هایی بود اما ساختمانی دیگر به جز یک کوره‌خانه برای از بین بردن البسه طاعون‌زده‌گان وجود نداشت. برای فرد اروپایی معاینه پزشک تشریفاتی است ولی برای مسافر آسیایی، یک مقدار کم‌تر سطحی است» (۱۲).

مدتی بعد دوباره بیماری طاعون مهلکی بروز کرد و شدت آن همه‌ی کشورهای مجاور را نگران کرده و کمیسیون مخصوصی برای بررسی این موضوع تشکیل شد. دولت انگلیسی هندوستان هم نماینده‌ای را اعزام کرد که در گزارش تلگرافی که به نایب‌السلطنه هندوستان مخابره کرد نارسایی مقررات و اقدامات دولت ایران را خاطر نشان و اضافه کرد که این کار از عهده ایرانیان خارج است گرچه سلامت و امنیت بهداشتی منطقه خلیج فارس برای کشتیرانی دنیا مسأله مهمی شده بود، ولی دیگر دول اروپایی هم مایل نبودند که انگلیس از راه ایجاد قرنطینه به بسط نفوذ خودش در ایران بپردازد، و در این راه کارشکنی می‌کردند و سعی می‌کردند تا حد ممکن این کار با مشارکت عمومی پیش رود. سفیر امپراتوری اطریش در نامه‌ای به تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۸۷۷ م. در لندن در این

ورود کشتی‌های حامل مسافر از بادکوبه و امتداد خط آهن تا بدانجا، نیاز به احداث یک واحد قرنطینه در این بندر را ضروری می‌داند.

روس‌ها در این مورد هم مانند دیگر برخوردهای سیاسی خود با ملت‌های هم‌جوار، مشی مستبدانه و زورگویانه اتخاذ کرده و رعایت حال مسافران را نمی‌کردند. همان‌گونه که ذکر شد ضمن گرفتن وجه از مسافران، با آن‌ها بدرفتاری می‌نمودند. طبق گزارش سندی، شدت عمل آن‌ها به حدی بود که حتی از درگیری و کشتار مسافرین هم ابا نداشته و در یک مورد دو نفر مکاری را به قتل رسانیدند. اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد مأموران قرنطینه رعایت مسائل شرعی را در برخورد با مسافرین نکرده و این مسأله باعث بروز درگیری در بین مردم و مأموران می‌شد. و در مورد وبای سال ۱۳۰۹ هـ.ق. سندی موجود است که روس‌ها در قرنطینه‌های مرزی لابلای اجساد افراد زنده را هم دفن می‌کردند (۴).

وضعیت قرنطینه انزلی هم مشابه قرنطینه‌های جنوب بود. برخورد مأموران قرنطینه با مسافرن تبعیض‌آمیز بود و بستگی به وضعیت مالی فرد داشت. همین مسأله یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت عملکرد قرنطینه‌ها و نارضایتی مردم بود. این نارضایتی گاه به حدی شدید و غیر قابل کنترل می‌گشت که اساس قرنطینه را درنوردیده و مسافرین خشمگین را ناچار از زد و خورد با مأموران می‌کرد. یکی از این مسافرین نقل می‌کند که:

« بر اساس دستور پزشک قرنطینه، مسافران بی پول در درون کشتی قرنطینه می‌شدند اما به مسافران دارای اتاق در کشتی، اجازه داده می‌شد تا پیاده شوند و تحت نظارت، در هتل تحت نظر حفاظت نگهبانان اقامت نمایند... در همین حال مسافران از رفتار تبعیض‌آمیز منزجر شده و قرنطینه‌سازی را زیر پا گذاشته، با نگهبانان زد و خورد کرده و با باز نمودن راه خود در ساحل، مسیرشان را از راه زمینی ادامه دادند.» (۱۲).

پیگیری و اصرار بریتانیا برای حضور موثر در قرنطینه‌ی

در پایان هر سال مالی صورت هزینه‌ها را ارائه دهند. اما در دوره‌ی رضاشاه صرف بودجه‌ی قرنطینه زیر نظر مستقیم اداره مالیه درآمد و در مواردی که در قانون پیش‌بینی نشده بود، از پرداخت وجه خودداری می‌شد. سند زیر که از مجموعه مکاتبات بین وزارت خارجه ایران با وزیر مختار انگلیس انتخاب شده، نشان می‌دهد که حقوق زمان مرخصی مأموران و پزشکان انگلیسی شاغل در قرنطینه‌های بنادر در سال ۱۳۰۶ هـ.ش. به بهانه‌ی این‌که محل پرداخت این وجه در قوانین پیش‌بینی نشده است، قطع گردیده و این امر موجب اعتراض دولت انگلیس گشته است. وزارت امور خارجه ایران طی جوابیه نسبتاً طولانی به این اعتراض می‌نویسد:

« ... علت خودداری از پرداخت حقوق مزبور این است که هیچ‌گونه مدرکی برای تادیه آن در دست نیست و اگر سابقاً حقوق مرخصی مأموران مشارالیهم پرداخت می‌شده بواسطه این بوده که بودجه قرنطینه جنوب یک قلم و بدون نظارت مأموران مالیه تادیه می‌شده بنابراین اگر خودشان مبلغی به‌عنوان حقوق مرخصی مأموران محسوب و برداشت می‌کردند دلیل بر استحقاق فعلی آن‌ها در اخذ حقوق مزبور نخواهد بود...» نهایتاً در پایان سال ۱۳۰۶ هـ.ش.، قرنطینه‌ها به‌صورت رسمی از انگلیس تحویل گرفته و تحت نظارت رئیس صحیه جنوب قرار گرفت. (۱۴).

روس‌ها و قرنطینه بنادر

در بنادر آستارا و انزلی هم از سال‌های حدود ۱۳-۱۹۱۲ م. قرنطینه‌هایی برقرار شد. قرنطینه آستارا تا جنگ جهانی اول برقرار و پس از آن تخریب و از حیز انتفاع ساقط گشت. یک قرنطینه مرزی هم در مرز جلفا برقرار بود و بودجه‌ای هم برای ساخت قرنطینه‌ای در مشهدسر اختصاص یافت که البته هیچ‌گاه عملی نشد. در دوره‌ی رضاشاه به دلیل وقوع انقلاب اکتبر روسیه و ایجاد تغییرات سیاسی در آن کشور و تیرگی روابط بین دو کشور، ایجاد قرنطینه‌های شمال، بنا به تقاضای مأموران ایران و با نظارت آن‌ها انجام می‌شد. به‌عنوان مثال، در سال ۱۳۱۴ هـ.ش.، رئیس گمرکات دشت گرگان به دلیل

« روسیه بر سر آن است که دارای بندری در خلیج فارس باشد اما انگلیس موانعی بر سر این راه قرار می‌دهد. پست قرنطینه جزایر هرمز و قشم را تأسیس کرده‌اند تا در آن‌ها استحکاماتی بسازند اما روسیه تن به چنین ترتیباتی نمی‌دهد...» (۱۰).

پزشکان شاغل در قرنطینه‌ها

پزشکان شاغل در قرنطینه‌ها، اکثراً ملیتی غیر ایرانی داشتند ولی در دوره رضا شاه سعی بر این بود تا با تربیت پزشکان ایرانی و جذب تحصیلکردگان ایرانی الاصل خارج از کشور، از نفوذ پزشکان خارجی کاسته شده و امور به ایرانیان واگذار گردد. به این منظور، قوانین قرنطینه‌ها به صورت نظامنامه‌ای نوشته و در اختیار کلیه پزشکان ایرانی قرار داده می‌شد. به‌عنوان مثال وزارت معارف در پاسخ استعلام یکی از پزشکان ایرانی الاصل وارد شده به ایران، از قوانین طبی، نامه مفصل نوشته و ضمن اطلاع رسانی از قوانین بهداشتی ایران، در خصوص قرنطینه‌ها می‌نویسد:

«... مقررات قرانطین ایران همان مقررات بین‌المللی است که بر طبق نظامات و تصمیمات شعبه بهداشت جامعه بین‌الملل تنظیم و معمول به تمام کشورهای عضو جامعه بین‌الملل می‌باشد از قبیل بازرسی در ناوهای وارده به مرزهای دریایی کشور و بررسی نسبت به عده و حال مسافرین و اصول بهداشت آن‌ها و تحقق این‌که مرض کشی کرده‌اند یا خیر تا احتمالاً مرض را به وسیله‌ی مسافران خود به مرزهای کشور سرایت ندهند و برقراری قرنطینه در بنادر و مرزهای کشور در مواقعی که امراض ساریه در کشورهای همسایه بروز و شیوعی دارد و نگهداری مسافرین در قرنطینه با رعایت مقررات مربوطه و ضد عفونی کردن اسباب آن‌ها و مال‌التجاره‌های وارده به کشور...» (۱۳).

زمانی که رضا شاه احساس نمود که از نظر فنی، دولت ایران قادر به اداره قرنطینه‌های جنوب می‌باشد، سعی نمود تا از نارضایتی مردم از قرنطینه‌ها و مأموران انگلیسی شاغل در آن‌ها استفاده نموده و بهانه لازم برای در اختیار گرفتن آن‌ها را

بنادر جنوبی ایران، باعث برانگیخته شدن حس رقابت روسیه شد و آن‌ها هم برای این‌که از این قافله عقب نمانند، برای اولین بار دو نماینده برای مطالعه، به جنوب ایران اعزام کردند. این دو نفر پزشک از کلیه بنادر جنوبی ایران بازدید کرده و پس از بازگشت، یکی از آن‌ها به نام ویدو موستی، در نامه‌ای پرده از اغراض دولت خود در این باره برداشت:

«... اکنون نوبت ما رسیده که با استفاده از موقعیت مناسب، رویای مقدس خود را عملی سازیم و در خاور نزدیک هم به دریای آزاد راه یابیم. منظور ما تصرف بندرعباس در خلیج فارس است.» (۱۱).

اما نخستین حضور رسمی روس‌ها در خلیج فارس در تابستان سال ۱۳۱۸ ه.ق. بود که کنسول روس در اصفهان به همراه دو نفر قزاق از راه شیراز وارد بوشهر شد. نماینده سیاسی دولت انگلیس در بوشهر بنا به دستور دولتش آن‌ها را زیر نظر قرار داد. پس از مدتی که جاسوسان در همه جا نماینده مزبور را زیر نظر داشتند، نماینده انگلیس قصد آن‌ها را یافتن جایی در خلیج فارس برای راه‌اندازی ایستگاه ذغال‌گیری گزارش کرد. دولت انگلیس در پاسخ نوشت:

«... کنسول روس و قزاقانش و هم‌چنین دیگر مسافران روسی که از ورود آن‌ها در حوالی بند عباس خبر داده بودید، طلایه یک نیروی نظامی خطرناک دشمن هستند... شما باید مراقب حرکات او و دیگر روس‌ها در بندرهای خلیج فارس باشید. شما یقین داشته باشید که روسیه و فرانسه کارهایشان هماهنگ است» به همین لحاظ در تمام مدتی که کنسول روس در منطقه خلیج فارس بود به شدت تحت نظر قرار داشت و حتی زمانی که با کشتی به بندر محمره (خرمشهر) رسید، به بهانه این‌که بوشهر آلوده به بیماری طاعون است، او را در قرنطینه نگه داشتند. اعتراض شدید او که این عمل را یک تسویه حساب سیاسی می‌دانست، باعث شد تا با وساطت شیخ خزعل به وسیله‌ی یک قایق موتوری به اهواز فرستاده شده و از آنجا مستقیماً به اصفهان مراجعه نماید. او هنگام ملاقات با شیخ خزعل گفته بود:

توسعه نیافتگی دولت قاجار در همه‌ی زمینه‌ها و بی‌خبری دولت مردان ایران از پیچیدگی معادلات سیاسی به همراه نبود عزمی راسخ در بین آن‌ها برای تعالی جامعه در جنبه‌های گوناگون، باعث گشته بود که دول سلطه‌گری هم‌چون روس و انگلیس به راحتی بر مجاری امور مسلط شده و سیاست و اقتصاد و حتی فرهنگ کشور را به سمت سوی موافق با منویات خود پیش ببرند.

در این میان مشکل بروز بیماری‌های واگیردار و مهلکی هم‌چون وبا و طاعون که بر تجارت و اقتصاد جوامع اثر مستقیم دارد، بهانه‌ای بود تا دولت روس و انگلیس به دلیل عدم توفیق دولت ایران در کنترل آن‌ها، خود رأساً اقدام کرده و به بهانه ایجاد قرنطینه در بنادر و گلوگاه‌های حساس اقتصادی ایران مسلط شده و در آن‌جا به نفع خود اعمال نفوذ نماید.

تشکر و قدردانی

این پژوهش با هزینه‌ی معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شده است.

به دست آورد. سر دنیس رایت در کتاب خود در مورد سرنوشت قرنطینه‌های بنادر جنوب می‌گوید:

« از ۱۹۲۱ میلادی به بعد احساسات ضد انگلیسی به گونه‌ای شدید دامن زده می‌شدند تا خطر تلاشی استقلال ایران را تداعی نمایند و سرانجام در سال ۱۹۲۸م. رضاشاه مسئولیت اداره قرنطینه‌های بندری را از انگلیسی‌ها سلب نمود» (۱۴).

نتیجه‌گیری

پیچیدگی سیاست دول استعماری در قرون ۱۹ و ۲۰ به حدی بود که نه تنها معادلات سیاسی، بلکه اکثر جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی مردم را هم در بر می‌گرفت. تلاش دولت انگلیس برای نفوذ هر چه بیش‌تر در هیأت حاکمه‌ی ایران که به دلایل مختلف هم‌چون حفظ بازار داخلی ایران، ایجاد کمربندی حفاظتی به دور مستعمره‌ی زرخیز هندوستان، جلوگیری از نفوذ روسیه و ممانعت از توسعه‌طلبی آن‌ها در رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس صورت می‌گرفت، باعث گشته بود که در این راستا از هر ابزار و وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف خودشان استفاده نمایند.

منابع

- ۱- آدمیت ف. امیرکبیر و ایران، چاپ پنجم. تهران: انتشارات خوارزمی؛ ۱۳۵۵، ص ۲۳۶.
- ۲- یغمایی الف. مدرسه دارالفنون، مجله یغما، سال بیست و سوم، شماره هفتم، ص ۴۲۲.
- ۳- عباسی م، بدیعی پ. گزارشهای اوضاع سیاسی، اجتماعی ولایات عهد ناصر (۱۳۰۷ ه.ق)، چاپ اول. تهران: انتشارات پژوهشکده اسناد؛ ۱۳۷۲، ص ۳۵۴، ۸۵، ۸۳، ۸۱.
- ۴- کاووسی عراقی م. فهرست اسناد مکمل قاجاریه (جلدهای ۲۳-۱۵)، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، چاپ اول. تهران، ۱۳۸۱، اسناد ۳۷۰، ۳۶۴، ۳۵۲، ۳۶۶، ۱۵۷، ۱۶۹، ۱۸۸، ۲۱۴، ۱۰، ۱۱، ۱۹، ۴۷، ۳۸۱، ۴۸.
- ۵- سیاح م. خاطرات حاج سیاح یا دوره‌ی خوف و وحشت، چاپ اول. به کوشش سیاح ح. تهران: انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۹، ص ۵۳۵.
- ۶- ناصر الدین شاه قاجار. سفرنامه عراق عجم، چاپ اول. به کوشش صفی نژاد ج. تهران: نشر تیراژه؛ ۱۳۶۲، ص ۱۵۸.
- ۷- کنت دو گوینو. سه سال در آسیا (۱۸۵۸-۱۸۵۵)، چاپ اول. ترجمه مهدوی ع. تهران: نشر کتابسرا؛
- ۸- بروگش ه. سفری به دربار سلطان صاحب قران ۱۸۵۹-۱۸۶۱، چاپ اول. ترجمه‌ی کرد بچه م. تهران: انتشارات اطلاعات؛ ۱۳۶۷، ص ۵۵۳.
- ۹- سند شماره ۲۹۱۰۱۴۰۶، مجموعه اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی، فایل فرمانداری اصفهان
- ۱۰- کاظم زاده ف. روس و انگلیس در ایران، چاپ اول. ترجمه امیری م. تهران: انتشارات علمی فرهنگی؛ ۱۳۷۱، ص ۴۱۳، ۴۰۶، ۳۹۰.
- ۱۱- الگود س. تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، چاپ دوم. ترجمه فرقانی ب، ویراسته زمانی م. تهران: انتشارات امیرکبیر؛ ۱۳۷۱، ص ۵۷۶، ۵۷۵، ۵۷۲، ۵۶۹.
- ۱۲- فلور و. سلامت مردم در ایران قاجار، چاپ اول. ترجمه‌ی نبی پور الف. بوشهر: انتشارات مرکز پژوهشهای سلامت خلیج فارس؛ ۱۳۸۶، ص ۲۷۷، ۲۷۵، ۴۴.
- ۱۳- سند شماره ۱۱۱۰۰۳، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۴- رایت د. انگلیسیها در میان ایرانیان، چاپ اول. ترجمه‌ی دلدن الف. تهران: انتشارات نهال؛ ۱۳۶۴، ص ۲۵۷.